

# جاذبه و دافعه در عصر بیداری مسلمانان

بیداری اسلامی درختی است که ریشه در نهضت‌های ۱۵۰ ساله اخیر جهان اسلام و حرکت‌های مصلحان دینی و متفکران مسلمان دارد و ریشه‌های کهن تر آن، در بعثت پیامبر اعظم (ص) قابل مشاهده است. مهم‌ترین تحول جهان اسلام در قرن بیستم، وقوع انقلاب اسلامی و طلوع اندیشه‌های مصلحانه امام خمینی (ره) در صحنه سیاست بین‌الملل اسلامی بود و به حق این رویداد تاریخی در سازماندهی بیداری اسلامی نقش بسزا دارد و به مصداق «قولی است که جملگی بر آنند» و مورد تأیید اهل نظر و کاوشگران مسائل اجتماعی است. در اثر بیداری اسلامی، پایه‌های استبداد داخلی و استعمار نو در کشورهای مسلمان در حال فرو ریختن است و مردم با رویکرد دینی، خواهان زندگی شرافتمندانه و مستقل در پرتو دین مبین اسلام می‌باشند. در این گیرودار، چند حرکت پنهان و آشکار در حال شکل‌گیری است که کالبد شکافی آنها به وسیله متفکران مسلمان، حائز اهمیت است. نخست؛ سردمداران استعمار در صددند که اگر نتوانستند با سرکوب و ترساندن، نهضت بیداری اسلامی را در کشورهای مسلمان از میان بردارند، آن را منحرف سازند و با رنگ آمیزی و فتنه‌انگیزی، به آن، رنگ سکولاریسم و ناسیونالیسم و لیبرالیسم بدهند. در اثنای این استحال، به مدیریت اختلافها و کشمکشهای قومی، مذهبی و سیاسی پردازند و صفوف مجاهدان و مبارزان راه دین و آزادی را پراکنده سازند و آنان را به جان هم بیندازند. همچنین در این میانه طیفهای غرب‌گرا که تا دیروز، سر در آستان استبداد و استعمار داشته‌اند، لباس تجددگرایی و اسلام‌خواهی می‌پوشند و با دورویی به میدان می‌آیند و ضمن ابراز همدردی با مردم، سخن از هم‌گرایی با جهان پیشرفته به میان می‌آورند. این سیاستمداران دووجهی، از یک سو، سنگ مردم را به سینه می‌زنند و از ظلم و استبدادی که گریبان‌گیر جامعه بوده است، می‌نالند و از سوی دیگر، به دنبال پیدا کردن سنت‌تری حد فاصل تز استعمار نو و آنتی تز بیداری اسلامی تکاپو می‌کنند و در صدد دستیابی به یک راه میانه منتهی به غرب، چاره می‌اندیشند. اگر تلاش این قبیل افراد به ثمر نشیند، پس از چند سال کماکان در روی پاشنه وابستگی به بیگانه خواهد چرخید و نتیجه مجاهدتهای مردم مسلمان، حاکمیت مردم بر مردم براساس موازین اسلامی نخواهد بود و به جای مردم سالاری دینی که مولود طبیعی بیداری اسلامی است، نوعی سکولاریسم با روکش شرع بر جامعه تحمیل خواهد شد که همان سنتز مطلوب غرب می‌باشد.

برای جلوگیری از به سامان رسیدن این حرکت‌های زیرکانه و مرموز، باید متفکران و عالمان مسلمان در حین رویارویی با استبداد و استعمار و مدیریت تحولات اجتماعی، به برنامه‌ریزی و راهیابی برای ابداع سازوکارهای حکومتی جدید براساس موازین دینی، اهتمام کنند و با اتکا به قرآن و سنت و متناسب با زمان و مکان، روشها و منشهایی را به ارمغان آورند که به موجب آنها جامعه انقلابی، هم در دوره گذار و هم در عصر تثبیت و تحکیم پایه‌های حکومت، روی پای خود بایستد و با هوشمندی و دانایی راه را از چاه تشخیص دهد و به خواست دشمنان در گردنه‌های فرساینده گرفتار نگردد. استعمار نو و بانیان جنگ نرم به این نتیجه رسیده‌اند که در جهان اسلام باید با کاشتن عناصر به ظاهر انقلابی و دادن شعارهای گرم و مردم فریب، نهضت‌های اسلامی و حرکت‌های بیدارگرانه را از درون، تسخیر و مصلحان و متفکران مسلمان را با دست عمال هم‌رنگ با محیط، سرکوب و بیداری اسلامی ملل منطقه را با





نیرنگ مصادره کنند. در برابر این تزویر بین‌المللی، راه‌هایی، تشکیل اتاق فکر با مشارکت اندیشه‌ورانی است که درد دین دارند و بیداری اسلامی را در امتداد بعثت انبیا ارزیابی می‌کنند و از استحاله آن به وسیله استکبار جهانی، بیمناک و نگرانند. بر سر در اتاق فکر بیداری اسلامی با خط نور نوشته‌اند: «... يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ...» (۱). به حق دست خدا بالای دست همه قدرتمندان است و ساکنان خانه‌های تار عنکبوتی، در برابر حق، هیمنه‌ای ندارند و به اعتبار باطل بودن زهوق و از میان رفتنی می‌باشند.

یکی از تدابیری که اتاق بیداری اسلامی باید اتخاذ کند، مهندسی جاذبه و دافعه مسلمانان برخاسته و آراسته به بصیرت دینی می‌باشد. خطوط اصلی این جاذبه و دافعه را قرآن مجید با حکمت ترسیم کرده است. خداوند حکیم می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...» (۲). به موجب این آیه شریفه، کسانی که توفیق همراهی با حضرت محمد (ص) را دارند، با کفار بدخواه و معاند، با شدت عمل برخورد می‌کنند و با مسلمانان، با مهربانی و رحمت مواجه می‌گردند و شگفتا که استعمار نو با ترفندهای چندگانه در پی جابه‌جا کردن این مهربانی و نامهربانی است و راز سر به مهر برادرکشی مسلمانان، در همین فتنه‌انگیزی بیگانگان و خوش‌باوری این و آن است. ملاک و میزان، اسلام است، آن‌گونه که فرموده‌اند: «الاسلام يعلو ولا يعلى عليه». میزان و مبنای تشکیل حکومت‌های اسلامی در منطقه، آراء مردم مسلمان و از بند رسته‌ای است که به عشق دین و آزادی، به میدان بیداری اسلامی آمده‌اند و با ایثار و از خودگذشتگی، کاخ استعمار و استبداد را ویران می‌کنند. اگر کسانی بخواهند به جای اسلام، مکتب دیگری را بر مردم تحمیل کنند، راه به جایی نخواهند برد و اسباب زحمت خود و مسلمانان را فراهم می‌آورند و باید با درایت در مقابل آنان ایستادگی کرد و از استحاله انقلاب‌های منطقه جلوگیری به عمل آورد.

به تعبیر رسای مقام معظم رهبری: «هدف اصلی از این همه، زنده کردن دوباره اسلام و بازگشت به ارزش‌های قرآن است و ما یک سر مو از این هدف عقب نخواهیم نشست». وقتی هدف امت مسلمان در جای جای جهان اسلام، زنده کردن اسلام و بازگشت به قرآن مجید باشد، به طور طبیعی مهندسی جاذبه و دافعه مسلمانان بیدار و به‌پاخاسته، باید رویکرد قرآنی داشته باشد و جای دوست و دشمن به بهانه آب و خاک، قومیت و مذهب و زبان عوض نگردد و باب نامیوم برادرکشی بسته شود. از سردمداران حرکت‌های مشکوک برادرکشی، باید پرسید: هدم جان، مال، عرض و نوامیس مسلمانان از جنس نور است یا ظلمات؟ تردیدی نیست که نهضت انبیا و کارکرد قرآن مجید، اخراج مردم از وادی ظلمات به سوی اقلیم نور است و امت واحده رسول الله (ص) نورانی است و در این فضای روشن، دستی به جنایت آلوده نمی‌گردد، مگر آنکه همدست شیطان باشد. خداوند سبحان می‌فرماید: «الرَّكِبَاتُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ...» (۳). چشم دل کسانی که در معیت رسول الله (ص) حرکت می‌کنند، می‌بیند و در پرتو این بینش، با همدیگر مهربانند و غضب خود را متوجه کسانی می‌کنند که رویای از نیل تا فرات را در سر می‌پروراند و به غارت فرهنگ و نفت کشورهای اسلامی چشم طمع دوخته‌اند. نفس امت واحده صبغه رحمت دارد؛ زیرا خدای این امت سرشار از رحمت و مهربانی است و می‌فرماید: «... كَتَبَ عَلَيَّ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ...» (۴) و طاغوت روزگار می‌خواهد، نعمت رحمت امت اسلامی را به نعمت شدت عمل در درون میدل سازد.

صاحب‌نظران در اتاق فکر بیداری اسلامی، باید به این حقیقت بیندیشند که به جای اسلام و قرآن که تجلی ذکر خداست، تعصبات قومی، زبانی، نژادی، مذهبی، سیاسی و اقلیمی، ملاک عمل و میزان تشخیص مبارزان راه آزادی و مخالفان استبداد و استعمار قرار نگیرد که اگر چنین شود، خطر ضنک معیشت و بحران‌های اجتماعی، کبان ملل اسلامی را تهدید می‌کند و فضا را دستخوش کدورت می‌سازد. زنده کردن دوباره اسلام و بازگشت به ارزش‌های قرآن، اقتضا می‌کند، تا تمدن نوین اسلامی، پرچم‌دار حیات طیبه جهانیان شود و تمدن در حال اضمحلال غرب و متفکران آن، متوجه این حقیقت تاریخی و الهی گردند که «... قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ. يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ...» (۵).

### پی‌نوشتها

۱. فتح، ۱۰.
۲. فتح، ۲۹.
۳. ابراهیم، ۱.
۴. انعام، ۱۲.
۵. مائده، ۱۵ و ۱۶.